

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دوره ۱۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۵۰، پاییز ۱۳۹۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۳۱

صص: ۲۵-۵۱

## مطالعه جامعه شناختی تجربه زیسته زنان خود اتکای اقتصادی

سیده زهره بزرگ نژاد شیاده<sup>۱</sup> میثم موسایی<sup>۲\*</sup> سید رضا معینی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی مقطع دکتری گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- استاد گروه برنامه ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- استاد گروه جمعیت شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تجربه ی زیسته زنان خود اتکای اقتصادی، و به روش نظریه پرداز داده محور انجام و اطلاعات از طریق مصاحبه های نیمه ساخت یافته با ۳۱ زن شاغل و درآمدزا، که دارای فرزند هم هستند و در شهر بابل سکونت دارند جمع آوری، و به روش کدگذاری نظری و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا تحلیل شده است. یافته ها نشان می دهند که زنان مورد مطالعه در اکثر موارد پدیده محوری "فشار نقش" را تجربه می کنند. شرایط علی این پدیده در سه مقوله ی «نیاز مالی، حفظ نقش سنتی خانه داری، عدم حمایت اجتماعی و خانوادگی» بیان شده است. شرایط میانجی نیز در قالب «سن، تحصیلات، تحصیلات همسر و...» بدست آمده است. از جمله، راهبردهای اتخاذ شده «توانمند سازی جسمی و روحی، تحمل شرایط، نیمه وقت شدن و...» می باشد و مهمترین پیامدهای این راهبرد ها؛ «کسب جایگاه اجتماعی و فردی، آسیب های شغلی، خانوادگی و فردی و...» هستند. نتیجه می شود که؛ در حال حاضر پدیده "فشار نقش" در بین مادران شاغل و درآمد زای ایرانی وجود دارد. از این رو می طلبد که نظام اجتماعی تدابیری را جهت توازن بین نقش های سنتی و نقش اقتصادی - اجتماعی آنان اتخاذ کند.

**واژه گان کلیدی:** تجربه زیسته، زنان، خود اتکای اقتصادی، فشار نقش.

## مقدمه و بیان مسئله

در جوامع سنتی تا پیش از انقلاب صنعتی تقسیم کار بین زن و مرد بر پایه سنت و جنسیت صورت می گرفت. بر این اساس، در خانواده، مردان نان آور تلقی می شدند و با کار در خارج از خانه اسباب معاش خانواده خود را فراهم می کردند و زنان از کودکان مراقبت می کردند و عهده دار اداره ی درون خانه بودند. به دنبال انقلاب صنعتی تحولاتی در شیوهی معیشت و کارکرد خانواده ها بوجود آمد. بطوری که نقش های سنتی زنان تا حدودی دگرگون و مشارکت اقتصادی - اجتماعی آنان گسترده تر شد، به گونه ای که به جای کار صرفا خانگی، بخش عمده ای از زندگی آنها به فعالیت های بیرون از خانه اختصاص یافت و امروزه شاهد آن هستیم که بسیاری از زنان درآمد زایی را امر مثبتی تلقی نموده و خود را طالب ایفای نقش های شغلی می یابند که در جوامع امروزی به عنوان نقش جدیدی در مقابل نقش های سنتی زنان از آن یاد می شود.

تحقیقات نشان می دهد که در اکثر کشورهای در حال توسعه و حتی در کشورهای توسعه یافته صنعتی زنان علاوه بر انجام امور شغلی و درآمد زایی به اجرای نقش های سنتی از جمله خانه داری و بچه داری و... نیز می پردازند و این امر باعث ایجاد تعدد مسئولیت ها و سنگینی وظایف در زندگانی شان می شود. به عبارتی درآمد زایی زنان، باعث جدایی آنان از مسئولیت های سنتی شان نشده است. همچنین تحقیقات آناندال و هانت<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) نیز نشان می دهد که علی رغم اینکه در خانواده هر دو نفر زن و شوهر شاغل اند، تغییر چندانی در تقسیم کار سنتی در مورد امور خانه داری و بچه داری پدید نیامده است. در واقع، در عین این که بار وظایف زنان مضاعف گردیده، تقسیم کار عادلانه تری میان وظایف زن و شوهر در درون منزل ایجاد نشده است.

همگام با حرکت جامعه ایران به سمت توسعه یافتگی، استقلال اقتصادی زنان نیز افزایش یافته است، این در حالیست که؛ از یک سو سنت های ریشه دار اجتماعی زنان را به سوی ایفای نقش های سنتی و زنانه دعوت می کند و از سوی دیگر دنیای مدرن آنها را به سمت مشارکت در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی و... فرا می خواند. علاوه بر این، امروزه با توجه به تورم اقتصادی و فشارهای مالی تحمیل شده بر خانواده ها، درآمد زایی و اشتغال زنان ضرورتی انکار ناپذیر است. در نتیجه زنان مجبورند علاوه بر اجرای مسئولیت های سنتی خود، سهمی در گردش چرخ اقتصاد خانواده هم داشته باشند.

در همین راستا، آنچه محقق را به تلاش برای مطالعه در زمینه تجربه زیسته خوداتکایی اقتصادی در بین مادران شهر بابل واداشت، این امر بوده که از بیرون یا حداقل به ظن خود پژوهشگر، زنانی که چنین ویژگی را دارند، مسلماً زندگی سرشار از احساس خوشبختی و رضایت را تجربه می‌کنند چون متاهل، مادر و درآمد زا هستند و استقلال اقتصادی دارند و اصطلاحاً دستشان در جیب خودشان است و داشتن همه‌ی این ویژگی‌ها در کنار هم یعنی تصویر ایده آل از یک زن موفق و خوشبخت. اما با دقیق شدن بر زندگی این افراد شاهد این ماجرا هستیم که آنها چه بار سنگین مسئولیت‌های مختلف را به دوش می‌کشند و چگونه به سختی بین نقش‌های سنتی زنانه خود و مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی هماهنگی برقرار می‌کنند.

بر این اساس تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سوال است که؛ تجربه زیسته‌ی<sup>۱</sup> زنان خود اتکای اقتصادی<sup>۲</sup> چگونه است و آنها با چه مسائل و مشکلاتی مواجه هستند.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه، کشورها و سازمانهای بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که زنان بعنوان نیمی از جمعیت، تاثیر مستقیمی در پیشرفت و توسعه جامعه داشته و استراتژی‌های یک جامعه توسعه یافته باید بر مبنای مشارکت هر چه فعال‌تر بانوان در امور جامعه بخصوص مشارکت‌های اجتماعی- اقتصادی آنان باشد. از آنجا که، اشتغال، درآمد زایی و استقلال اقتصادی زنان می‌تواند سبب تغییر سبک زندگی و نگرش افراد جامعه، خصوصاً خود زنان، نسبت به خود و نقش‌های سنتی زنانه شود، به همین منظور می‌طلبند که جنبه‌های مختلف؛ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی و... این امر، مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد که این خود اهمیت مطالعه و بررسی‌های بیشتر در این حوزه را می‌رساند.

اگرچه در رابطه با این موضوع تا به امروز، مطالعه‌های زیادی صورت گرفته است، اما آنچه که مسلم است این است که اکثر این پژوهش‌ها به روش کمی بوده و تعداد تحقیقاتی که به روش کیفی در این رابطه باشد، محدود است. از آنجا که تجارب افراد از درآمد زایی و استقلال اقتصادی شان وابسته به خودشان و امری اختصاصی است و با

۱ - lived experience

<sup>۲</sup> - در مورد این امر که چرا عبارت زنان خوداتکای اقتصادی برای عنوان تحقیق در نظر گرفته شده است می‌توان به این نکته اشاره کرد که بسیاری از مشاغل خانگی، به صورت رسمی جز شغل به حساب نمی‌آیند، عبارت مذکور انتخاب شده است تا دایره زنان مشمول تحقیق بیشتر شود و غیر از مشاغل اداری و آزاد، دیگر فعالیت‌های درآمدزای زنان نیز در زمره مشاغل قرار گیرند. به عنوان مثال؛ زنی که در خانه محصولات لبنی تولید می‌کند و به صورت خانگی به فروش می‌رساند و درآمد کسب میکند مشاغل محسوب نمی‌شود و حتی خودش را شاغل نمی‌داند اما از نظر اقتصادی خوداتکاء است.

پژوهش کمی، نمی توان ابعاد گوناگون این مسئله را بررسی کرد، تحقیق حاضر به روش کیفی سعی در شناختی عمیق از زندگی این دسته از زنان دارد تا بتوان شرایط زندگی آنها را بهتر و بیش تر بشناسد.

همچنین آمارها<sup>۱</sup> نشان می دهند که سهم مشارکت اقتصادی زنان در شهر بابل همانند کل کشور کمتر از مردان و نیز سهم بیکاری شان بیشتر از مردان است. با توجه به اینکه محل سکونت محقق شهر بابل است، لذا پاسخ دادن به چرایی این مسئله از منظر خود زنان برای محقق دارای اهمیت بوده است، لذا در این حوزه دست به مطالعه زده است تا با شناختی درست بتواند تصویری روشن از زندگی هموعان خود ارائه دهد تا گام کوچکی باشد جهت ارتقاء زندگی شغلی و خانوادگی این دسته از زنان.

## اهداف پژوهش

### -هدف کلی:

بررسی جامعه شناختی تجربه زیسته زنان خوداتکای اقتصادی در شهر بابل.

### -اهداف جزئی:

بررسی مسائل و مشکلات زنان در جریان اشتغال و درآمدزایی شان.

بررسی میزان حمایت (خانوادگی و اجتماعی) از زندگی زنان خوداتکای اقتصادی.

بررسی تاثیرات متقابل اشتغال و درآمدزایی، با زندگی زنان .

بررسی انتظارات و توقعات این دسته از زنان.

## پیشینه پژوهش

پژوهش ها و مطالعات پیشین می تواند در شکل گیری یا دقیق تر شدن سوال ها و فرضیه ها، به محقق کمک نماید، که این امر در پژوهش حاضر نیز صادق بوده است.

<sup>۱</sup> طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور برابر با ۴۰/۴ می باشد که سهم مردان برابر با ۶۴/۹ و سهم زنان برابر با ۱۵/۹ می باشد. همچنین نرخ بیکاری کل کشور نیز ۱۲/۷ است که سهم مردان ۱۰/۴ و سهم زنان ۲۱/۸ می باشد. در شهر بابل نیز نرخ مشارکت کل برابر با ۴۰/۲ است که سهم مردان و زنان به ترتیب: ۶۸/۴ و ۱۱/۹ و نیز نرخ بیکاری کل برابر با ۸/۴ که سهم مردان و زنان به ترتیب: ۶/۸ و ۱۷/۶ می باشد. منبع: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir) تاریخ دسترسی فروردین ۹۷.

در یک دسته بندی کلی، در مورد تاثیر اشتغال و سلامت زنان، قاضی نژاد و سلیمانی (۱۳۹۵)، احمدنیا (۱۳۸۵) پژوهش‌هایی را انجام دادند و همگی به این نتیجه رسیدند که اشتغال بر سلامت زنان هم تاثیر مثبت و هم تاثیر منفی دارد. فیاضی و ساروی (۱۳۹۵)، فری (۱۹۹۰) و هیچ (۲۰۰۱) نیز در مورد تعارض کار و خانواده زنان شاغل دست به تحقیقاتی زده‌اند و به این امر رسیدند که بین انجام نقش‌های خانگی و شغلی زنان تعارض وجود دارد. همچنین، امینی (۱۳۹۲)، توسلی و سعیدی (۱۳۹۰)، شریفیان (۱۳۸۸)، در مورد اشتغال زن و ساختار قدرت در خانواده دست به پژوهش زدند و به این نتیجه رسیدند که اشتغال سبب افزایش اقتدار زنان در خانواده می‌شود. مک گینیتی و راسل (۲۰۰۸)، مالارکی (۱۹۹۰)، مقصودی و بستان (۱۳۸۲) و اعزازی (۱۳۷۶)، به طور کلی در مورد تعدد نقش‌هایی که زنان انجام می‌دهند دست به پژوهش زدند و به این نتیجه رسیدند که زنان علاوه بر اشتغال در بیرون از خانه، بار اصلی مسئولیت کار خانگی، تربیت و پرورش فرزندان، امورات مربوط به تهیه مایحتاج زندگی و... را نیز به دوش می‌کشند و این بار مسئولیت در تعطیلات افزایش نیز می‌یابد. در مورد رابطه اشتغال و بارداری نیز، موسایی و دیگران (۱۳۸۹)، اسحاقی و دیگران (۱۳۹۳)، پژوهش‌هایی را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ی منفی بین اشتغال زنان و باروری وجود دارد. در مورد انگیزه‌های اشتغال زنان، امینی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که، «نیاز مالی» انگیزه اصلی اشتغال زنان است و نیز در مورد اشتغال زنان و رضایت زناشویی روحانی و ابوطالبی (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیدند که بین اشتغال و میزان رضایت زناشویی رابطه مستقیمی برقرار است.

اکثر تحقیقاتی که تا کنون در این زمینه انجام شده، به روش کمی بوده و مطالعه عمیق جامعه‌شناختی در این حوزه انجام نشده است و نیز بیشتر تحقیقات صورت گرفته به صورت غیر مستقیم، به موضوع نقش آفرینی چندگانه که نتیجه آن فشار نقش برای زنان می‌شود اشاره داشتند و این مسئله را به طور مستقیم مورد بررسی قرار ندادند. بر همین اساس به نظر می‌رسد که هنوز ناگفته‌های زیادی درباره تاثیرات درآمدزایی، اشتغال و استقلال اقتصادی زنان در زندگی شان وجود دارد لذا می‌طلبد که جنبه‌های گوناگون زندگی کاری و خانوادگی زنان خوداتکای اقتصادی به روشی کیفی و عمیق بررسی شود.

### چارچوب مفهومی پژوهش

- کارکردگرایی: جامعه‌شناسان محافظه کار و کلاسیک معتقدند که زن همیشه باید نقش معینی را در خانواده ایفا کند و نباید خارج از خانواده نقشی را به عهده بگیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰) ماهیت سازمان اجتماعی به زنان برای اینکه در خانواده باشند نیازمند است، اما مردان می‌توانند نقش‌های دیگری در خارج از خانواده نیز داشته باشند.

(باقری، ۱۳۸۰). در همین راستا، **بایلبای و بایلدی**<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) مطرح می کنند که رفتارهای اشخاص در دو حوزه کار و خانواده بر حسب تقسیم بندی جنسیتی کار شکل می گیرند و ارزش های تخصیص داده شده به این رفتارها توسط هنجارهای جنسیتی نقش تجویز می شوند. با توجه به مقتضیات مسئولیت های خانوادگی و انتظارات پیرامون نقش زن و مادر انتظار بر این است که زن های شاغل با معامله کردن بر سر هویت های نقشی دو گانه خود بین آنها توازن ایجاد کنند. اما در مورد مردها، انتظارات هنجاری و سنتی این است که هنوز نقش های شوهر و پدر ایجاب نمی کند که مردها به طور کامل در خانه داری و بچه داری مسئولیت و درگیری داشته باشند. به همین دلیل غالباً زنان بیشتر از مردان تعارض بین این دو نقش یا هویت را تجربه می کنند. (رستگارخالد، ۱۳۸۵)

**نظریه نقش های اجتماعی:** نظریه نقش نیز، به پیامدها و کارکردهای روانی و اجتماعی نقش های چندگانه به طور کلی توجه دارد و در جستجوی پاسخ برای این مسئله بوده که آیا گسترش و تعدد نقش ها مستلزم فشار و تعارض است؟ و یا بیش از آن در بردارنده مجموعه ای از پاداش ها است که در نتیجه ی فواید ترکیب نقش ها حاصل می آید؟ هاید بیان می کند که در حوزه نظریه نقش، دو رویکرد نظری گسترده رشد کرده است. این رویکردها در زمینه پیامدهای نقش های چندگانه را نیز شامل می شوند عبارتند از، **رویکرد کمیابی نقش**<sup>۲</sup> و **نظریه انباشتگی نقش**<sup>۳</sup>. (همان). اساس **رویکرد کمیابی** بر این اصل است که انرژی انسان محدود است و ایفای نقش های مهم و گوناگون چون مادری و همسری خانه داری و شغلی موجب فرسودگی و فشار در زنان شاغل می شود. (هاف من و یانگ بلید ۱۹۹۹ به نقل از خسروی و همکاران، ۱۳۸۶) البته بر طبق فرضیه کمیابی، تعدد نقش ها بطور مطلق نمی توانند زیان آور یا سودمند تلقی شوند بلکه فشارزایی یا خشنودکنندگی نقش های چندگانه بسته به عوامل و شرایطی نظیر کیفیت ویژگی های شخصیتی فرد و عوامل ساختار اجتماعی و میزان حمایت ادراک شده از دیگران در نتایج ایفای چند نقش موثر بوده اند. (خداکرم پور، ۱۳۹۲).

- **نظریه انباشتگی نقش:** به این مطلب اشاره دارد که اگر فرد تعهد زیادی به همه ی نقش های خود داشته باشد می تواند بدون احساس فشار و تنش همه ی نقش های خود را توسعه بخشد. (خداکرم پور، ۱۳۹۲) در این زمینه سایر (۱۹۹۸) اعتقاد دارد تعدد نقش ها در سطح فردی، می توانند خشنودی شخص یعنی احساس مورد قدردانی واقع شدن یا خواسته شدن از سوی شرکای نقش را ایجاد می کند. و در سطح نظام اجتماعی موجب توسعه نقش ها و گسترش کلی نظام نقش، موجب تقویت ثبات اجتماعی می شود.

۱- Bilby & Bielby

۲- scarcity role approach

۳- accumulation role approach

همچنین از دیگر نظریه‌های کارآمد در زمینه اشتغال زنان، می‌توان به **الگوی عرضه‌ی نیروی کار خانوار** اشاره کرد. بر اساس این الگو، تصمیم به مشارکت در بازار کار، به خصوص برای زنان، معمولاً تصمیمی است که به شرایط داخل خانه و مکانی که فرد سکونت دارد وابسته است. بنابراین با توجه به تصمیمات سایر افراد خانواده اتخاذ می‌شود (میلا علمی و همکاران، ۱۳۹۵)

- **تئوری منابع** نیز از جمله دیگر نظریه‌هایی است که می‌شود در زمینه تبیین اشتغال زنان از آن استفاده کرد. بر اساس این نظریه، توزیع قدرت در خانواده بر حسب منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند، این منابع ارزشمند به طور اخص، تحصیلات، شغل، قدرت مالی هر یک از زن و شوهر، سن و طول مدت ازدواج است که به میزان بهره‌مندی از این منابع دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند (ریترز، ۱۳۸۴: ۴۴۲). بر این اساس درآمدزایی زن سبب افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده می‌شود.

- **تئوری اقتصاد خانه جدید**<sup>۱</sup>، نیز می‌تواند در حوزه اشتغال زنان کارآمد باشد. بر اساس اعتقاد هیل<sup>۲</sup> (۱۹۸۸)، این تئوری به این امر اشاره دارد که اقتصاد سرمایه‌ی زناشویی را افزایش و شانس انحلال زناشویی را کاهش می‌دهد. بر این اساس، اشتغال زن به رغم مدت زمان غیبت زن در خانه، از آنجا که کسب درآمد بیشتری را به دنبال دارد، الزاماً موجب نارضایتی زندگی زناشویی نمی‌شود (مدیری و رحیمی، ۱۳۹۵). بر اساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که اشتغال زن در برخی موارد می‌تواند سبب افزایش رضایتمندی و انسجام زناشویی شود.

و سرانجام اینکه؛ در زمینه **اشتغال و فرزندآوری** نیز نظریه‌هایی مطرح شده است. هاروی و جیمز<sup>۳</sup> (۱۹۹۶) اظهار می‌دارند که به علت طبیعت ناسازگار اشتغال زنان و باروری، این نرخ‌ها وابسته به اینکه زنان در نیروی کار مشارکت داشته باشند یا خیر ممکن است بسیار متفاوت باشند. بنابراین در این دیدگاه افزایش نیروی کار زنان عاملی مهم و تاثیرگذار در کاهش نرخ‌های باروری خواهد بود (موسایی و همکاران، ۱۳۸۹).

### نظریه‌های کارآمد برای ساختن چارچوب مفهومی پژوهش

از آنجا که تحقیق حاضر به روش نظریه پردازی داده محور است، لذا، محقق سعی بر مطالعه مستقیم پدیده‌ها و استخراج مفاهیم و مقولات و نهایتاً نظریه‌ی مبتنی بر فهم پدیده تحت مطالعه دارد. لذا رهگیری از متون نظری در این تحقیق به معنای پذیرش کامل آنها به مثابه چارچوب نظری نیست و از این متون صرفاً به مثابه منبع احتمالی ایجاد

۱- new home economics.

۲- Hill

۳- Harvey & James

سؤال، راهنمای مصاحبه و نمونه گیری نظری و... استفاده شده است. به همین منظور در پژوهش حاضر از نظریه های: نقش های اجتماعی و الگوی عرضه ی نیروی کار خانوار بصورت مستقیم و نیز از سایر نظریه های مطرح شده بطور غیر مستقیم به منظور ساختن چارچوب مفهومی و افزایش حساسیت نظری استفاده شده است.

## روش پژوهش

از آنجایی که هدف ما از این تحقیق، درک و شناخت تجربیات، احساسات و شرایط زنانی است که از نظر اقتصادی مستقل هستند و خود مسئولیت اقتصادی خود و یا دیگر افراد خانواده را بر دوش دارند، لذا به ناچار باید از روش های همدلانه و ژرف نگری چون روش تحقیق کیفی استفاده شود. لذا پژوهش حاضر با بهره گیری از روش تحقیق کیفی و متدولوژی «نظریه پرداز داده محور»<sup>۱</sup> انجام شد. جمع آوری اطلاعات با استفاده از متد مشاهده های عمیق و مصاحبه های نیمه ساختار یافته، از میان زنان متاهل و دارای فرزندی که از نظر اقتصادی خود اتکاء هستند و در شهر بابل سکونت دارند دارای فرزند نیز هستند، صورت گرفته است. نمونه گیری در این پژوهش بصورت هدفمند بوده است. به بیانی سعی شده است مشارکت کنندگان تحقیق از نظر سن، تحصیلات، میزان درآمد و... متفاوت باشند چرا که این احتمال وجود دارد که هر یک از این عوامل بر بوجود آمدن پدیده محوری تحقیق "فشار نقش" و نحوه عملکرد افراد نسبت به آن تاثیر گذار باشند. مصاحبه ها تا رسیدن به "اشباع نظری"<sup>۲</sup> که بالغ بر ۳۱ مورد مصاحبه بود ادامه داشت. در مرحله تجزیه و تحلیل داده ها، اطلاعات با استفاده از نرم افزار مکس کیودا، کدگذاری نظری که شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی شدند.

## یافته های پژوهش

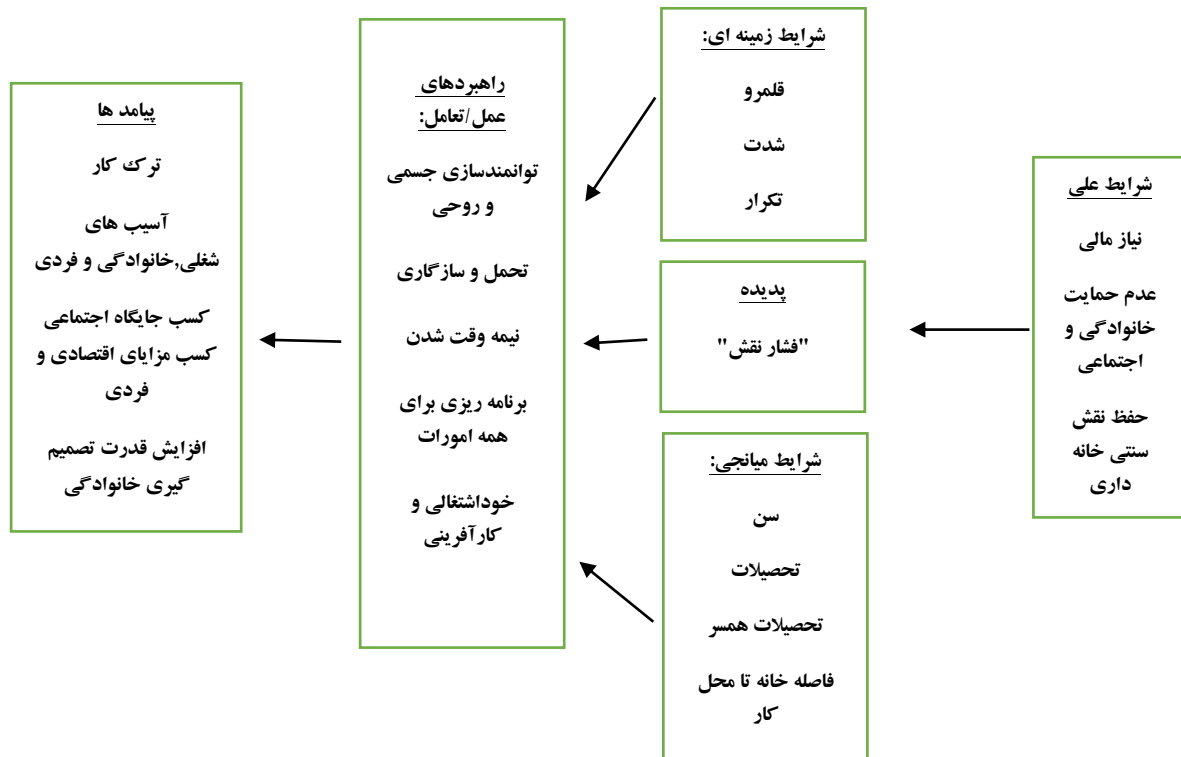
پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، داده ها در شش دسته ی مجزا ارتباط دهی شدند. حاصل ارتباط مفاهیم و مقولات در این شش دسته، ارائه الگوی پارادایمی تحقیق بود که در شکل (۱) آمده است.

۱- Grounded Theory .

۲- Theoretical saturation



### شکل (۱) - مدل پارادایمی تحقیق



#### ۱- شرایط علی:

آن دسته از رویدادها و وقایعی که بر پدیده محوری اثر می گذارند یا موجب گسترش آن می شوند.

#### ۱-۱- نیاز مالی

بدون شک تعداد قابل توجهی از زنان برای حل بخشی از مشکلات اقتصادی خانواده به اشتغال روی می آورند. به نظر می رسد اوضاع نامناسب اقتصادی در دهه های اخیر در کشور که با بالا رفتن سطح انتظارات رفاهی همراه بوده، که در سال های گذشته بیشترین تأثیر را در روی آوردن زنان به بازار کار داشته است. هر چند نیز گروهی هستند که صرفاً به منظور افزایش تعامل اجتماعی، کسب تجربه، به دست آوردن موفقیت های بیشتر، افزایش اعتماد به نفس و خودباوری، به عبارتی بنا به انگیزه های فرهنگی، اجتماعی و شاید روانی تمایل به درآمدزا بودن داشته باشند و به فعالیت های بیرون از منزل روی آورند. اما در این میان انگیزه های اقتصادی چون نیاز مالی مسئله ای پررنگی است که گاهی سایر عوامل دیگر را تحت الشعاع قرار میدهد. به طوری که در اکثر مصاحبه ها مصاحبه شوندگان بیان میکردند که اگر نیاز مالی نبود حتماً دست از کار کردن می کشیدند یا به شغل نیمه وقت روی می آوردند اما چون

درآمد شغل تمام وقت جوابگوی نیاز آنها نبود شغل تمام وقت را ادامه میدادند و متحمل "فشار نقش" می شدند. عواملی چون بیکاری همسر، درآمد پایین همسر، وجود مشکلات اقتصادی در خانواده، انگیزه استقلال از خانواده همسر و.... همه و همه از جمله مواردی بود که تحت عنوان انگیزه مالی و دستیابی به استقلال مالی باعث می شد زن به دنبال درآمد زایی باشد.

### ۱-۲- عدم حمایت خانوادگی و اجتماعی

به نظر می رسد مهمترین عامل در بوجود آمدن "فشار نقش" در زنان مورد مطالعه عامل حمایت خانوادگی باشد، چرا که اکثریت زنان اعتقاد دارند که اگر از سوی خانواده حمایت شوند توان انجام همه نقش ها را دارند. بسیاری از زنان بیان داشتند که "اگر حمایت همسر نباشد توان ادامه را ندارم". بحث حمایت خانواده هم اکثرا به نگره داری بچه کوچک اشاره داشتند که "چون پیش مادرم هستن خیالم راحت است و دچار استرس و سایر ناراحتی ها نمی شوم". در مورد حمایت اجتماعی نیز، در بسیاری از موارد افراد به عدم حمایت اجتماعی اشاره داشتند که سبب "فشار نقش" در آنها بود. عدم بهرمندی از تسهیلات شغلی<sup>۱</sup> که تعادلی بین کار و خانه ایجاد نمی کرد. تسهیلاتی چون مرخصی زایمان، وقت شیردهی، سرویس رفت و برگشت، ضمانت بازگشت به کار و.... همچنین توقعاتی که گاهی در سر کار از زنان دارند که کار را باید به نحو احسن انجام دهند و شرایط آنها که مادران شاغل هستند را در نظر نمی گیرند و گاهی توقعات یک فرد مجرد را از آنها دارند.

### ۱-۳- حفظ نقش سنتی خانه داری

حفظ نقش های سنتی از جمله مسئولیت کامل رسیدگی به امورات فرزندان، امورات خانه، خرید و....، همچنین تاکید اطرافیان بر انجام نقش های سنتی زن و نگرش منفی نسبت به نقش های مدرن زنان از جمله اشتغال آنان نیز از موارد دیگر سبب ساز "فشار نقش" در زنان مورد مطالعه بوده است. فرهنگ ایرانی-اسلامی جامعه ما بر نقش پر رنگ خانواده در ثبات جامعه و نقش زنان در خانواده و وظایف خانگی و مادری و تربیتی تاکید فراوان دارد، از طرفی نیز دنیای مدرن امروز می طلبد که زن در جامعه حضور پیدا کنند و نقش های کاری را بر عهده گیرند و درآمدزا باشند لذا نوعی دوگانگی و تناقض بین تاکید بر "زن خانه دار" و "زن شاغل" بوجود می آید که در سطح زندگی

<sup>۱</sup> - هر چند در این قسمت زنانی که کارمند رسمی دولت بودند بخصوص استخدام آموزش و پرورش موقعیت خوبی داشتند و از حمایت های لازم برخوردار بودند اما اشتغال در سایر بخش ها از جمله نیمه خصوصی و اشتغال های آزاد از این تسهیلات برخوردار نبودند که این عدم برخورداری از تسهیلات خود باعث ایجاد فشار مضاعفی بر زنان مورد مطالعه شده است. همچنین در این بخش اکثریت زنان به سازمان های خدماتی آشپزی و یا نظافت منزل دارند یا مهدهای کودک برای نگره داری کودکان اشاره داشتند که وجودشان خوب است و عدم وجود این دسته از سازمانها باعث ایجاد فشار مضاعف در آنها می شود.

روزمره و حتی در خود پنداره زنان شاغل متأهل بخصوص مادران شاغل نمایان می‌سازد. به طوری که زنان با وجود افزایش سطح تحصیلات و توانمندی‌هایشان در عرصه‌های شغلی و اجتماعی، نقش‌های سنتی آنان (به ویژه خانه‌داری و بچه‌داری) همچنان بر دوش آنان سنگینی می‌کند. و نیز تعداد و سن فرزندان نیز بر این فشارها افزوده می‌شوند بطوری که از مجموع اظهارات زنان این طور نتیجه می‌شود که هر چه سن بچه‌ها بیشتر می‌شود سختی‌ها و فشارها کمتر می‌شود، به عبارتی با افزایش سن بچه‌ها نگرانی‌های زن کمتر می‌شود و با خیال راحتی سر کار حاضر می‌شود. همچنین تعداد بچه‌ها هم از دیگر آیتم‌ها بوده، بطوری که هر چه تعداد فرزند بیشتر باشد فشار و سختی‌ها بر زن بیشتر می‌شود و اینکه اگر متمایل به فرزندآوری هم باشند بخاطر شرایط درآمدزایی که دارند نمیتوانند چون بزرگ کردن یک بچه دیگر مسائل خاص خودش را دارد که برای زنانی در شرایط آنها امکان پذیر نیست.

### جدول شماره (۱) - مقوله‌های شرایط علی

شرایط علی			
نمونه جمله‌های شاهد	کد فرعی	کد نیمه فرعی	کد اصلی
- خوب اگه درآمد شوهرم خانوادمونو جواب میداد نیازی نبود اینقدر سختی بکشم - دخترام دیگه بزرگ شدن باید ب فکر جهیزیه براشون باشم، اگه سر کار نرم واقعا کاری نمیتونم بکنم، شوهرم هم بنده خدا داره تمام تلاششو میکنه، اما واقعا گرونی بیداد میکنه و باید هر دو درآمدی داشته باشیم تا جوابگوی بچه‌ها باشیم	---	عدم درآمد کافی همسر	نیاز مالی
- با اینکه منو همسر همکاریم و با هم به خونه میرسیم، اما اون انتظار داره بره یه گوشه استراحت کنه و من به تنهایی همه اموراتو انجام بدم و اینها همه باعث ناراحتی منو گاهی مشاجره بینمون میشه، اون خسته میشه که من نمیشم.... همه مردا همین، فکر میکنن خونشون رنگی تره	عدم حمایت همسر	حمایت خانوادگی	حمایت
- کاشکی خانوادم نزدیکم بودن، اینطوری بچه رو به مادرم میسپردم و نگرانی نداشتم	عدم حمایت خانواده		
- واقعا به شرایط ماها توجه نمیکنن، همش اضافه کاری، اضافه کاری، اگه هم انجام ندی میگن خوش امدی به سلامت. - مجبوریم حرفی نزنیم و این حجم کاری رو انجام بدیم اصلا براشون مهم نیست من بچه دارم، شوهر دارم، زندگی دارم....	عدم برخورداری از تسهیلات شغلی	حمایت اجتماعی	

<p>-مادرشوهرم همیشه با تعنه میگه که کار کردن زن چه معنی داره، زن باید خونت بشین و بچه هاشو بزرگ کنه،مرد خسته از سر کار میاد زن باید بهش برسه نه اینکه خودش خسته باشه</p> <p>-بعضی از اطرافیان، بهم میگن واقعا می ارزه؟!، بچه ها و شوهرتو ول میکنی که چندرغاز حقوق بگیری.دختر بشین خونه برا شوهرت ملکه باش،خیلی شنیدم که زنایی که کار میکنن و زیاد تو خونه نیستن شوهراشون بهشون خیانت میکنن</p>	<p>---</p>	<p>دیدگاه منفی اطرافیان به زن شاغل</p>	<p>حفظ نقش سنتی زن</p>
<p>-شکر خدا بچه هام دیگه بزرگ شدند و میتوانند گلیمشان را از آب در بیارن،پدرم درآمد تا اونا بزرگ شدند سر کار یکسره تلفن دستم بود</p> <p>-سرکار همش نگران و دلهره دخترمو دارم خصوصا وقتی مریض میشه واقعا کار کردن برام سخته و بهم فشار میاد</p>	<p>---</p>	<p>تعداد و سن فرزندان</p>	
<p>-از سر کار که رسیدم خونه تازه کارام شروع میشه،بشور بساب بیز.... تا خوده شب رو پا می ایستم،شب از بس خسته ام غش میکنم</p> <p>-خرید خونه با خودمه،اینجوری راحتترم،شوهرم اصلا نمیدونه چیو کی بخره،اصلا خبری از وسایل و مایحتاج خونه نداره</p>	<p>---</p>	<p>مسئولیت‌های زیاد خانگی</p>	

منبع-خروجی نرم افزار مکس کیو دی ای ۱۲

## ۲-مقوله ی محوری:

شرایط علی ذکر شده (نیاز مالی، عدم حمایت خانوادگی و اجتماعی، حفظ نقش های سنتی زن) پدیده نظری "فشار نقش" را بوجود آورده است. تقریباً در تمام مصاحبه ها، مشارکت کنندگان دست کم یک بار به این موضوع اشاره کرده اند که به دلیل شرایط علی ذکر شده، فشار نقش را تجربه کرده اند.

## ۳-شرایط زمینه ای:

راهبردهایی که توسط زنان برای مقابله با "فشار نقش" به کار برده می شوند، تحت تاثیر زمینه ی خاصی قرار دارد. این شرایط زمینه ای عبارتند از «قلمرو»، «تکرار» و «شدت» که در ادامه به آنها پرداخته می شود.

۳-۱- **قلمرو:** در پژوهش حاضر محل وقوع پدیده ی محوری یعنی "فشار نقش"، بنا به اظهارات زنان مورد بررسی تقریباً در همه جا توسط آنان تجربه می شود. اما شواهد حاکی از این امر است که "فشار نقش" در خانه بیشتر احساس می شود. چرا که در محل کار مسئولیت ها از نظر قانونی تعریف شده هستند و در ساعت خاصی پایان می یابند، این در حالیست که مسئولیت‌های خانوادگی تعریف مکتوب و روشنی ندارند و ساعت خاصی برایشان در نظر گرفته نمی شود، لذا سنگین تر و طاقت فرسا تر و فشار بیشتری را به زنان وارد می کند.

۳-۲- **شدت:** "فشار نقش" به لحاظ شدت، از کم تا زیاد در نوسان بود. در بعضی از این زنان شدت این فشار به اندازه ای بود که حتی زن به فکر ترک کار خود بوده است. و در برخی دیگر از این زنان شدت و میزان فشار تا حدودی کمتر بیان می شد. اما هیچ موردی مبنی بر عدم وجود "فشار نقش" در زنان مصاحبه شده دیده نشد.

۳-۳- **تکرار:** "فشار نقش" ها روندی بود که همیشه در تمام زمان ها و مکان ها تکرار می شد. بدین معنا که این فشار از همان روزهای اول اشتغالشان همراه بوده است و گذشت زمان میزان تکرار آن را کم نمی کند. زنانی که سالهای زیادی از اشتغالشان می گذشت شاید تنها تطابق بیشتری با این فشار پیدا کرده باشند، اما از میزان تکرار فشار در آنها کاسته نشده است. شاید با گذشت زمان و پذیرش شرایط کاری و بالا رفتن مهارت انجام همزمان نقشها در آنان تنها قدری از شدت آن کاسته شود اما در هر زمان و هر موقعیتی این فشار تکرار می شود.

#### - ۴- شرایط میانجی:

شرایط میانجی در واقع شامل دایره ای وسیع از عواملی است که بر استراتژی ها تأثیرگذار است. نمی توان گفت هر یک از این عوامل به تنهایی سبب بروز پدیده و راهبردهای اداره و کنترل آن می شود، بلکه معمولاً مجموعه ای از آن ها است که مؤثر واقع می شود.

۴-۱- **سن:** سن زنان مورد مطالعه از شرایط میانجی دخیل در پدیده "فشار نقش" بوده است. بطوری که هر چه سن زنان مورد مطالعه بیشتر می شد "فشار نقش" در آنها بیشتر می شد. به عبارتی با کاهش قدرت جسمی زنان، فرسایش ناشی از "فشار نقش"، خود را نمایان می کرد از دردهای جسمی گرفته تا نابهنجاری های روانی.

۴-۲- **تحصیلات:** تحصیلات از جمله موارد دیگر شرایط میانجی بود به طوری که هر چه تحصیلات بیشتر بود خودآگاهی زنان از فشار نقی بیشتر و به تبع اعتراض به این وضعیت یا راهکاری برای مقابله و کاهش آن بیان می شد. همچنین زنان با تحصیلات بالا دارای مشاغلی با تسهیلات بهتر بودند که فشار نقش را در آنها کمتر می کرد. اما اکثریت مورد مطالعه تحقیق حاضر زنان با تحصیلات کارشناسی بودند و تقریباً همه آنان "فشار نقش" را تجربه کردند.

۴-۳- **تحصیلات همسر:** تحصیلات همسر زنان مورد مطالعه نیز از عوامل میانجی در نظر گرفته شده است. بطوری که اگر تحصیلات همسران زنان، کمتر بوده این "فشار نقش" بیشتر اتفاق می افتاد. توقعاتی که از زنانشان داشتند بیشتر می شد و زنان در فشاری مضاعف بودند همچنین مواردی نیز دیده شده که با بالاتر رفتن سطح تحصیلات

همسران این دسته از زنان، نگاه آنان به حقوق زن بازتر و در زندگی انعطاف بیشتری داشتند تا زنان احساس "فشار نقش" نداشته باشند هر چند این موارد اندک بودند اما برای تکامل پژوهش مان به این موارد نیز اشاره شده است

**۴-۴-فاصله تا محل کار:** سرانجام، از دیگر مواردی که میتواند به عنوان میانجی در وارد آمدن "فشار نقش" بر زنان مورد مطالعه شود فاصله خانه تا محل کار است. بطوری که مشخص شده که هر چه فاصله تا محل کار کمتر و دسترسی به آن آسانتر باشد "فشار نقش" تا حدودی کمتر می شود چون همین رفت و آمد و به موقع به سر کار رسیدن و به موقع به خانه برگشتن خود بار فشار خاصی را به همراه دارد. در تحقیق حاضر به جز چند مورد که تقریباً مسافت طولانی را برآوردیدن به محل کار طی میکردند و اکثریت فاصله زیادی بین خانه و محل کارشان را نداشتند.

### جدول شماره (۲)-مقوله های شرایط میانجی

شرایط میانجی			
کد اصلی	کد نیمه فرعی	کد فرعی	نمونه جملات شاهد
سن			۲۴-ساله که سابقه کار دارم،دیگه پیر شدم و تحمل این همه مسئولیتها رو ندارم،جوانتر بودم خوشحال بودم که همه امورات در دست منه،اما الان واقعا اعصابم نمیکشه واقعا سخته که همش تحت فشار باشی،هر چی سنم بیشتر میشه اعصابم ضعیفتر میشه سر کار یه فشاری،خونه یه فشاری،هی بدو هی بدو و به همه بگو چشم،پس خودم چی.....خسته شدم
تحصیلات			-آگه زود ازدواج نمیکردم دانشگاه میرفتم الان حتما یه کاره ای بودم، چه میدونم کارمند میشدم. شغل آزاد خیلی استرس آورده همش نگرانم که نکنه چکام پاس نشه و ورشکست شم آگه لیسانس داشتم باز نمیومدم تو مغازه فروشنده بشم که صاحب مغازه همش بهم دستور بده
تحصیلات همسر			-آگه شوهرم دانشگاه میرفت و دیدش باز میشد اینقدر تو خونه اعصابمو خرد نمیکرد.از سر کار میام یه بچه اون میشه،نمیدونم به بچهام برسم یا به اون شوهرم چون خودش لیسانس نداره،همیشه مسخرم میکنه میگه اوه حالا چه کردی،تو لیسانس گرفتی و شدی پرستار و چندرغاز حقوق میگیری و من دیپلمه و شغل آزاد و درامدم از تو بیشتره.... بیخود منم منم نکن
فاصله تا محل کار			صبح باید خیلی زود از خونه بزنم بیرون، یه ۴۰ دقیقه ای طول میکشه که برسم بانک.احساس کمبود خواب شدید میکنم اولاً سر کار خوابم میبرد اما الان عادت کردم برگشتنی خیلی سخت ماشین گیرم میاد، باز آگه زمستون باشه،بنده خدا شوهرم روزای بارونی میاد دنبالم

منبع-خروجی نرم افزار مکس کیو دی ای ۱۲

## ۵- راهبردهای عمل / تعامل:

در واقع استراتژی ها و راهبردهایی هستند که زنان در مقابل با "فشار نقش" در پیش می گیرند تا بتوانند شرایطی را که در آن قرار گرفته اند را بهتر اداره و کنترل نمایند.

۵-۱- **توانمندسازی جسمی و روحی:** یا ورزش کردن اولین استراتژی بود که زنان بکار می بردند تا هم سلامت جسمی شان را بدست آورند هم روحیه خودشان را تقویت کنند. ورزش بخصوص ورزشهای جمعی باعث افزایش توان زنان می شود که بتوانند ایفای نقش کنند.

۵-۲- **تحمل:** استراتژی دیگری هم که زنان در مواجهه با "فشار نقش"ها بکار می گیرند تحمل وضع موجود و سازگاری با وضعیت موجود است. بیاناتی چون "باید تحمل کرد، شرایط همینه که هست، برا همه همینجوری ا، و..." بیان از سازگاری با این وضعیت است که از سوی زنان مورد مطالعه بیان شد.

۵-۳- **نیمه وقت شدن:** راهکار بعدی که اکثریت زنان بدان اشاره داشتن تغییر وضعیت شغل تمام وقتشان به نیمه وقت بوده است. این استراتژی به نسبت وزنه سنگینی در اظهارات زنان مورد مطالعه داشت، بطوری که همگی به اتفاق بدان اشاره داشتند که تمایل به نیمه وقت شدن دارند. به بیان دیگر اینکه آنان تمایل داشتن کار فعلی با مسئولیت ها و محدوده زمانی کمتر آسیبی به روند معمولی زندگی آنها نمی زند و اگر موفق به این کار شوند ادامه زندگی برایشان خوشایند خواهد بود و "فشار نقش" از بین رفته یا به حداقل کاهش می یابد.

۵-۴- **کسب و کار مستقل:** از جمله پیامد دیگر در پدیده "فشار نقش" بحث تمایل زنان مورد مطالعه به کسب و کار مستقل بود که در آن زنان خود دست به کار آفرینی بزنند و به عبارتی خود ریس خود باشند... تمامی زنان بجز دو مورد به این امر اشاره داشتند که اگر از نظر مالی به یه حدی برسند حتما دست به شروع کاری مستقل می زنند.

۵-۵- **برنامه ریزی:** راهکار بعدی که زنان در مقابل "فشار نقش" پیش میگرفتند، استراتژی برنامه ریزی از قبل بود، بطوری که تمام موارد مورد مطالعه به این راهکار اشاره داشتند که "کارهایمان را از قبل برنامه ریزی میکنم یا از روز قبل انجام می دهیم".

### جدول شماره (۳) مقوله های راهبرد های عمل/تعامل

راهبردهای عمل/تعامل			
کد اصلی	کد نیمه فرعی	کد فرعی	جملات شاهد
توانمندسازی جسمی و روحی	ورزش کردن	---	-با همکارا هفته ای یه دفعه میریم استخر شنا خیلی کمک میکنه که درد دستم خوب شه.اونم چارتا کلوم دور از کار با هم حرف میزنیم دلمون باز میشه... بیشتر در مورد رئیس غیبت میکنیم
تحمل و سازگاری			-حتما قسمت من این بود که زندگیم اینجوری باشه باید همیشه تو سختی باشم، خدارو شکر سالم هستم و تا جایی که بتونم ادا مه میدم، بچه هام نیاز دارن که من کار کنم
نیمه وقت شدن			-ای کاش حقوق فعلی ما رو با در نظر گرفتن شرایط زنان متاهل میدادن، مثلا ماها که هم مادر هستیم و هم شاغل پاره وقت کار کنیم
تمایل به خوداشتغالی	کسب و کار مستقل و کارآفرینی		-آرزو دارم یه روزی گلخونه بزنم و گل و گیاه پرورش بدمو چار نفرو سرکار ببرم
برنامه ریزی برای همه امورات			-اگه برنامه ریزی نداشتم که نمیتونستم با شرایط کارمندی دوتا بچه بزرگ کنم که -اگه برنامه ریزی نداشته باشم به هیچ کدوم از کارام نمیرسم،یه دفترچه دارم که همه کارامو توش لیست میکنم .

#### ۶- پیامدها:

پیامدها را می توان به دو دسته پیامدهای مثبت، شامل: کسب جایگاه اجتماعی کسب مزایای اقتصادی و فردی افزایش قدرت تصمیم گیری خانوادگی و پیامدهای منفی شامل: ترک کار، آسیب های شغلی، خانوادگی و فردی دسته بندی کرد.

۶-۱- کسب جایگاه اجتماعی و خانوادگی: در مورد چرایی اینکه زنان مورد مطالعه با وجود "فشار نقش" مختلف همچنان ادامه می دهند می توان به این مسئله اشاره کرد که آنها در این شرایط یک جایگاه اجتماعی خاصی را برای خود به وجود آوردند که متفاوت از زنان خانه دار صرف یا زنان شاغل مجرد و بدون فرزند است. در تمام مصاحبه ها زنان به خود افتخار می کردند که همزمان چند مسئولیت مختلف را انجام می دهند و از این اتفاق احساس افتخار می کنند .

۶-۲- کسب مزایای اقتصادی و فردی: کسب درآمد و به تبع آن استقلال مالی از جمله دستاوردهای شغلی زنان مورد مطالعه بود که همگان بدان اشاره داشتند، هر چند تجربه "فشار نقش" تجربه ای ناخوشایند است، اما چون



درآمدزایی در کار خارج از خانه وجود دارد، تحمل فشارها کمتر می‌شود و نیز رسیدن به استقلال مالی موثرترین جنبه استقلال فردی است.

**۶-۳-افزایش قدرت در تصمیم‌گیری خانوادگی:** از آنجا که موضوع درآمدزایی زن در زندگی مشترک اهمیت فراوان دارد، مسلماً وزنه سنگینی در افزایش تاثیر گذاری زن در امورات اقتصادی و مهم خانواده هم می‌تواند باشد. بجز چند مورد که درآمدزایی را در روند افزایش قدرت تصمیم‌گیری شان مهم ندانستند باقی مصاحبه شوندگان اعتقاد داشتند که چون تقریباً نصف مخارج خانه و خانواده با درآمد آنهاست همسرشان در امورات اقتصادی یا از آنها مشورت می‌خواهد یا نظر و تصمیم نهایی با آنهاست.

**۶-۴-آسیب‌های شغلی، خانوادگی و فردی:** از جمله پیامدهای دیگر پدیده "فشار نقش" میتوان به ایجاد مسائلی در سرکار از جمله عدم تمرکز بر کار، انجام ندادن به موقع مسئولیت‌ها و گاهی ضررهای مادی به سازمان زدن و... و همچنین آسیب‌های خانوادگی چون فکر طلاق افتادن و ایجاد مشکلاتی در زمینه سلامت روان افراد اشاره کرد. "فشار نقش" می‌تواند منجر به صدمات روانی شدیدی شود. بطوری که اکثر افراد مورد مطالعه از ضعف اعصاب و عصبی مزاج شدن، زود جوشی، بی‌حوصلگی و کم‌حوصلگی، استرس و... رنج می‌بردند

**۶-۵-تروک کار:** "فشار نقش" گاهی می‌تواند آنچنان شدید باشد که تحمل آن برای فرد غیر ممکن باشد لذا تصمیم می‌گیرد از شدت آن بکاهد و در بدترین شرایط گزینه استعفا یا بازخرید و بازنشستگی پیش از موعد را انتخاب کند. زنان مورد مطالعه در چند مورد، دیگر تاب تحمل "فشار نقش"‌ها را نداشته و تصمیم گرفتن این تصمیم را اجرا کنند. در جریان تعاملات بعدی محقق و مورد مطالعه، روشن شده که در یک مورد این اتفاق افتاده است اما در سایر موارد اشاره ای به این مورد نشده و زنان تنها بیان می‌کردند که منتظر بازنشستگی خود هستند و شرایط را تحمل می‌کنند تا بازنشسته شوند. البته در مورد سایر مشاغل از جمله شغل آزاد که فرد خود صاحب کار بود این گزینه بیان نشده است.

### جدول شماره (۴)-مقوله های پیامدها

پیامدها			
کد اصلی	کد نیمه فرعی	کد فرعی	جملات شاهد
ترک کار	-	---	-آرزو دارم هر چه زودتر بازنشسته بشم و به کم وقت برای خودم داشته باشم، تو دلم موند به مسافرت درستو حسابی برم، ایشا.. بازنشسته شدم میرم و حسابی تفریح میکنم
کسب جایگاه اجتماعی و خانوادگی	---		-خدا رو شکر که رو پای خودم ایستادم مثل یک مرد دارم کار میکنم و دستم جلوی کسی دراز نیست -اطرافیان منو به عنوان الگوی خودشون میدونن، میگن آفرین به غیرت
کسب مزایای اقتصادی و فردی			-دستم تو جیب خودمه و خودم برای درامدم تصمیم میگیرم، اصلا تصورشو هم نمیتونم بکنم که دستمو جلو شوهرم دراز کنم که مثلاً پول بده برم خرید
افزایش قدرت در تصمیم گیری خانوادگی			-اصلاً کل تصمیمگیری اقتصادی خونه با منه، خونه ای که داریمو من تصمیم گرفتم پیش خرید کنیم -همسرم هر کاری میخواد بکنه ازم مشورت میخواد، قرار بود ماشینشو عوض کنه که من گفتم فعلاً تعمیرات خونه واجتبره و اونم قبول کرد
آسیب های شغلی، خانوادگی و فردی			-وقتی میرسم خونه اصلاً حوصله هیچ چیزو ندارم، ناهارو درست میکنمو میرم به گوشه ای میخوابم تا سرحال بشم، آگه نخوابم تا شب اعصابم همینجور خرده -کافی وقتی تو خونه ام بابت شام یا ناهار شوهرم چیزی بگه، زودجوش میارم و اصلاً نمیدونم چی میگم

منبع-خروجی نرم افزار مکس کیو دی ای ۱۲

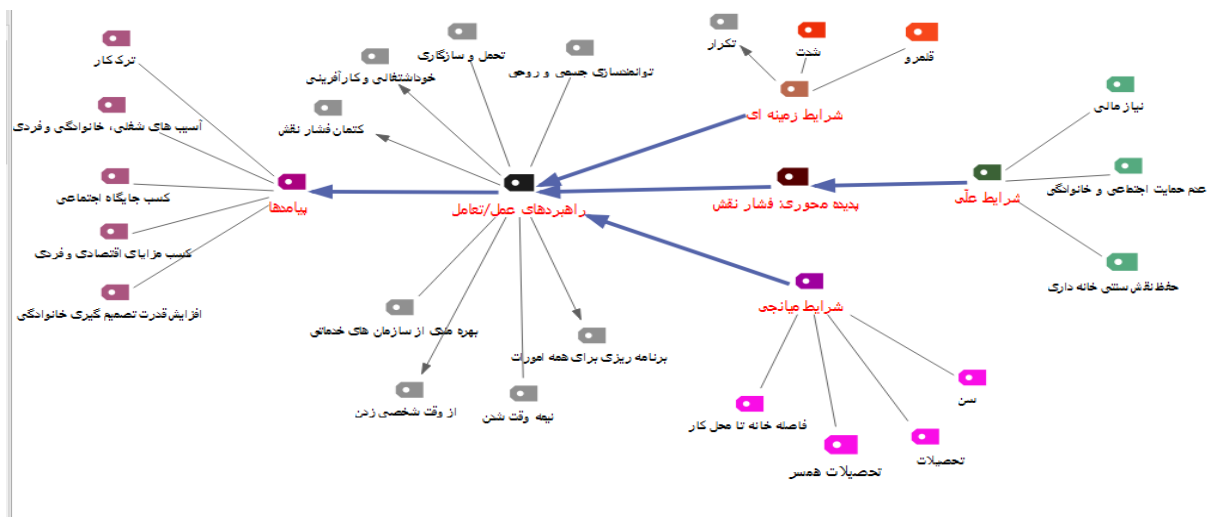
### نظریه داده بنیاد حاصل از تحقیق

آنچه که پس از گردآوری و تحلیل داده ها، به عنوان مقوله ی محوری این پژوهش کشف شد، پدیده ی "فشار نقش" در "زنان خوداتکای اقتصادی" در محیط مورد مطالعه (شهر بابل) بود. این مقوله علاوه بر اینکه به شکل های مختلف در داده ها تکرار شده است، با دیگر مقوله های تحقیق نیز ارتباط دارد و تمامی آنها را پوشش می دهد. این پدیده در شرایط خاصی (قلمرو) خلق می شود و در شدت و تکرار متفاوت است.

عوامل متعددی در ایجاد این پدیده دخیل اند که ذیل مقوله های « نیاز مالی، عدم حمایت اجتماعی و خانوادگی، حفظ نقش سنتی زن» بیان شده اند. بررسی این عوامل (شرایط علی) نشان می دهد که این رابطه، پدیده ای تک عاملی نیست، بلکه مجموعه ای از عوامل در پیوند با هم، منجر به این پدیده می شوند. میزان تأثیر این عوامل در ایجاد این پدیده نیز متفاوت است. البته میزان و شدت "فشار نقش" در زنان مورد مطالعه به ویژگی های فردی، اجتماعی و

فرهنگی آنها نیز بستگی دارد. بنابراین با توجه به الگوهای ذهنی متفاوت، ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و نیز انتظارات متفاوت زنان راهبردهای عمل/تعامل نیز در برابر این پدیده تغییر می‌کند. لذا مداخله‌گرهایی چون «سن، تحصیلات، تحصیلات همسر، فاصله خانه تا محل کار» به طرق مختلف بر اتخاذ راهبردهای عمل/تعامل از سوی زنان تأثیر می‌گذارد. با توجه به شرایط زمینه‌ای و میانجی‌های زنان در مواجهه با پدیده مورد نظر، استراتژی‌های رفتاری مختلفی را برمی‌گزینند که به صورت توانمندسازی جسمی و روحی، تحمل و سازگاری، نیمه وقت شدن، استفاده از سازمانهای خدماتی، برنامه ریزی برای همه امورات، کتمان فشار نقش، از وقت شخصی زدن، نمود می‌یابد. استراتژی‌های به کار گرفته شده توسط زنان، در کنار تأثیر زمینه و مداخله‌گرها پیامدهایی را برای آنان در پی دارد که مهم‌ترین آنها؛ ترک کار، کسب جایگاه اجتماعی، کسب مزایای اقتصادی و فردی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری خانوادگی، آسیب‌های شغلی، خانوادگی و فردی است. سرانجام اینکه مدل نظری حاصل شده از داده‌ها به شکل زیر حاصل شده است.

### مدل نظری نهایی در خصوص تجربه زیسته زنان خوداتکای اقتصادی بر مبنای راهبرد نظریه زمینه‌ای



منبع- خروجی و نقشه مکس کیو دی ای ۱۲

## بحث و نتیجه گیری

بر اساس یافته های به دست آمده از مشاهده ها و مصاحبه ها، میتوان نتیجه گرفت که زنان مورد مطالعه در اکثر موارد تجربه ای مبتنی بر فشار چند جانبه از سوی مسئولیت های مختلف را داشتند که در تحقیق حاضر با تعبیر مقوله/پدیده محوری "فشار نقش" از آن یاد شده است. ورود مادر به بازار کارِ مزدی لزوماً نگاه های کلیشه ای جنسیتی غالب در جامعه را تغییر نمی دهد. در نتیجه عمدتاً مسائل و مشکلاتی برای این دسته از زنان بوجود می آید که عمده ترین آن "فشار نقش" است.

این یافته ها، همسو با اکثر تحقیقات پیشین اینگونه می باشد که زنان، علاوه بر اشتغال در بیرون از خانه، بار اصلی مسئولیت کار خانگی، تربیت و پرورش فرزندان، امورات مربوط به تهیه مایحتاج زندگی و..... را نیز به دوش می کشند و این بار مسئولیت در تعطیلات افزایش نیز می یابد. به عبارتی آنان در کنار کار خارج از خانه مسئول اصلی امورات مربوط به خانه هستند (مک گینیتی و راسل، ۲۰۰۸، اعزازی، ۱۳۷۶، مالارکی ۱۹۹۰، مقصودی و بستان، ۱۳۸۲، اعزازی، ۱۳۷۶، لاگران و زیسی مویلو، ۲۰۰۷، باقری و حسینی، ۱۳۹۵) در نتیجه این زنان به واسطه انجام چندین نقش، فشار نقش چندگانه را به شکل پر رنگی حس می کنند.

یافته ها نشان می دهد که مجموعه ای از عوامل در پیوند با هم، منجر به بروز "فشار نقش" می شوند. میزان تأثیر این عوامل در ایجاد این پدیده نیز متفاوت است؛ برای مثال عاملی چون «مسئولیت های زیاد خانوادگی» ممکن است در ایجاد "فشار نقش" در فردی، نقش عمده تری داشته باشد. در حالی که برای فرد دیگر، «عدم نظرات مثبت اجتماعی و خانوادگی در مورد اشتغال زن»، یا «عدم حمایت اجتماعی» اهمیت بیشتری داشته باشد.

در ادامه چنین نتیجه می شود که همسو با اکثر تحقیقات پیشین، عامل «نیاز مالی» به عنوان انگیزه اصلی اشتغال زنان (طالبی فر، ۱۳۸۰، امینی و احمدی، ۱۳۸۸) می باشد، و به موجب آن، اجبار به «اشتغال تمام وقت» به عنوان مهمترین عامل در ایجاد "فشار نقش" بوده است.

به بیان دیگر، مشارکت کنندگانی که شغل تمام وقت داشتند، پدیده "فشار نقش" را بیشتر از کسانی که شغل نیمه وقت دارند تجربه می کردند. آنها مهمترین دلیل را نیاز مالی خود و خانواده شان بنا به بیکاری همسر یا عدم حقوق کافی همسر و.... اعلام کردند.

در مرتبه بعد «عدم حمایت خانوادگی» که شامل حمایت خانواده زن، حمایت همسر و خانواده همسر بود و زنان اذعان داشتند که اگر از جانب اطرافیان حمایت شوند "فشار نقش" را احساس نمی کنند یا بصورت حداقل احساس می کنند. این نتایج نیز همسو است با نتایج تحقیقات مقصودی و بستان (۱۳۸۳) و رستگار خالد (۱۳۸۸).

«سن و تعداد فرزندان» هم از عوامل دیگری بود که تقریباً تمامی مشارکت کنندگان بدان اشاره داشتند. تحقیق حاضر هم سو با سایر تحقیقات مسئله تقلیل فرزندآوری و بسنده کردن به یک یا دو فرزند (موسایی و دیگران، ۱۳۸۹، اسحاقی و دیگران، ۱۳۹۳) را تایید می کند و نیز به این مسئله اشاره دارد که بزرگتر شدن بچه ها، باعث کاهش "فشار نقش" می شود.

در ادامه بررسی ها به مقوله های: «سن، تحصیلات، تحصیلات همسر، فاصله خانه تا محل کار» به عنوان شرایط میانجی (مداخله گر) تحقیق حاضر رسیدیم. این مقوله ها، بر راهبرد ها و استراتژی های اتخاذ شده توسط زنان به طرق مختلف و میزان متفاوت تأثیر می گذارند

به مرور در مورد عامل «سن» چنین نتیجه شده است که مشارکت کنندگان در اوایل جوانی هر چند پرانرژی هستند و ذوق بیشتری به رسیدگی به همه کارها از جمله نقش های شغلی و نقش های خانوادگی دارند اما به دلیل کم تجربگی و همچنین تولد فرزند در همین ایام، تقریباً "فشار نقش" بیشتری را احساس می کنند. راهبرد عمل/تعامل این دسته از مشارکت کنندگان «از وقت شخصی زدن» بود. آنها اظهار داشتند که از زمان خواب، اوقات فراغت و تفریح و یا حتی تایم حمام و نظافت و رفتن به آرایشگاه خود می زنند تا به نقش های خانوادگی و شغلی خود برسند. به مرور زمان با افزایش سن، هر چند توانایی جسمی رو به کاهش می رود اما به دلیل کسب تجربه هم از نظر شغلی و هم از نظر همسرداری و خانه داری و رسیدگی به بچه ها، تا حدودی این فشار کمتر احساس می شود. به طوری که زن به صورت اتوماتیک وار به امورات رسیدگی می کند. به عنوان مثال:

وقتی میرسم خونه سر بیست دقیقه هم ناهار و آماده می کنم و هم به غذایی مثل عدسی یا آبگوشت میزارم سر شعله تا برا شام خودش کم کم بپزه..... زهرا

با افزایش سن، هر چند توانایی جسمی زنان رو به کاهش می رود اما به دلیل کسب تجربه هم از نظر شغلی و هم از نظر همسرداری و خانه داری و رسیدگی به بچه ها، تا حدودی این فشار کمتر احساس می شود. راهبرد عمل تعامل مشارکت کنندگان در این زمان که تقریباً به مرز میانسالی می رسند «توانمندسازی جسم و روح» بوده است. آنها بیان کردند که زمانی از روز را صرف ورزش می کنند و برای اوقات فراغت و تفریحات شخصیشان وقت می گذارند تا بتوانند از پس "فشار نقش" برآیند.

«تحصیلات» عامل دیگری است که بر "فشار نقش" تأثیر دارد. به طوری که هر چه تحصیلات مشارکت کنندگان پایین تر بود به نسبت مشاغل با پایگاه اجتماعی پایین تر را اشغال کرده بودند که شرایط استاندارد کاری نامناسبی داشت. این دسته از زنان "فشار نقش" را بیشتر احساس می کردند و با افزایش تحصیلات رده های شغلی بالاتر و فشار کاری کمتر نصیب افراد می شد و به تبع درآمد بالاتر بر کاهش "فشار نقش" موثر بوده است.

مشارکت کنندگانی که تحصیلات پایین تری داشته اند اکثرا راهبرد «تحمل و سازگاری» را در پیش می گرفتند. همچنین این دسته از زنان بیشتر از سایرین تمایل به انتخاب گزینه راهبرد «خود اشتغالی و کارآفرینی» را داشتند. چرا که به دلیل تحصیلات پایین، در سازمانهای شغلی رده های پایین را اشغال کرده و از جایگاهشان راضی نبودند و تمایل به کسب و کار مستقل داشتند.

در مقابل زنانی که تحصیلات بالاتری داشتند اکثرا راهبرد «تحمل» را در پیش نمی گرفتند و خواهان برابری حقوق زن و مرد بودند و به تبع در خانه از همسرانشان مطالبات بیشتری را طلب می کردند و این امر نیز تا حدودی باعث کاهش رضایتمندی زناشویی و افزایش تنش در خانواده بوده است. بوجود آمدن این شرایط بر می گردد به این مسئله که همسران این زنان همانند دیدگاه برخی از اندیشمندان اعتقاد دارند به این امر که؛ "زن همیشه باید نقش معینی را در خانواده ایفا کند و نباید خارج از خانواده نقشی را به عهده بگیرد" (ساروخانی، ۱۳۷۰).

زنان مشارکت کننده که تحصیلات بالاتری نسبت به دیگران داشتند، راهبرد «توانمندسازی جسم و روح» را هم بیشتر از سایر مشارکت کنندگان در زندگی خود اجرا می کردند.

«تحصیلات همسر» نیز عامل دیگری بشمار میرفت که به عنوان شرایط میانجی پدیده "فشار نقش" توسط مشارکت کنندگان بیان شده است. بدین معنا که هر چه تحصیلات همسران زنان شاغل کمتر بود، به نسبت مشارکت و همکاری آنها در امورات مربوط به خانه و فرزندان کمتر بوده است. مشارکت کنندگانی که در این وضعیت بودند راهبر عمل «تحمل و سازگاری»، «از وقت شخصی زدن» و... را اتخاذ می کردند.

در تایید تحقیقات رستگار خالد (۱۳۸۸) باید گفت که؛ افزایش تحصیلات همسر و بعضا همکار بودن مرد با زن، باعث افزایش همدلی مرد نسبت به زن شده و در امورات خانه و فرزندان و حتی امورات شغلی زن (بشرط هم رشته و همکار بودن) بیشتر حامی زنانشان هستند.

«فاصله خانه تا محل کار» نیز عامل بعدی در این قسمت است. هر چند اکثریت فاصله بین خانه تا محل کارشان به طور متوسط به اندازه نیم ساعت بود اما در چند مورد فاصله بیشتر باعث نگرانی ها و ایجاد مشکلاتی در این زمینه بوده که باعث افزایش "فشار نقش" شده است و راهبرد این افراد، تغییر شغل خود و بعضا «نیمه وقت شدن» بوده است.

در نهایت تجزیه و تحلیل یافته ها، پیامدهای "فشار نقش" نمایان شدند. از جمله این پیامدها؛ ترک کار، کسب جایگاه اجتماعی، کسب مزایای اقتصادی و فردی، افزایش قدرت تصمیم گیری خانوادگی، آسیب های شغلی، خانوادگی و فردی بوده اند.

یافته‌ها حاکی از این امر هستند که زنانی که علاوه بر داشتن نقش‌های شغلی، نقش‌های خانوادگی را نیز ایفا می‌کند، در اجتماع جایگاه و منزلت بالایی دارند و نگاه مثبت و تحسین برانگیز اطرافیان نیز شامل حالشان می‌شود، همچنین استقلال اقتصادی و ورود درآمد آنها به خانه باعث افزایش قدرت آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌شود. از طرفی هم "فشار نقش" های شغلی و خانوادگی در مواردی نیز سبب بروز انواع آسیب‌های روحی و روانی و جسمی از جمله دردهای عصبی، افسردگی، زود جوشی، کمر درد و... می‌شود. همچنین تقابلی نقش‌های خانوادگی و شغلی در مواردی نیز آسیب‌های شغلی چون کم کاری، عدم دقت در انجام کار، عدم ارتباط خوب با ارباب رجوع یا مشتریان و در نهایت ضرر و زیان مالی برای سازمان یا صاحب کار مربوطه را به همراه دارد.

در توضیح ارتباط بین راهبردهای عمل/تعامل با پیامدها میتوان اشاره کرد به این امر که مشارکت کنندگانی که راهبرد «تحمل و سازگاری»، «توانمند سازی جسمی و روحی» و «برنامه ریزی داشتن» را در پیش گرفتند در مواردی که "فشار نقش" بیشتر شود و آنها نتوانند این شرایط را تحمل کنند و یا توانایی جسمی و روحی "فشار نقش" را نداشته باشند و یا دیگر قادر نباشند از خود و زندگی شخصی و خصوصی خود بزنند، و یا دیگر قادر به برنامه ریزی در امورات شغلی و خانوادگی خود نباشند، در مواردی تصمیم می‌گیرند که "ترک کار" کنند. همچنین راهبرد "داشتن برنامه ریزی" علاوه بر آنچه که در بالا گفته ایم میتواند سبب افزایش مزایای اقتصادی و فردی و نیز کاهش آسیب‌های شغلی و خانوادگی و فردی شود.

در موارد دیگر زن تصمیم می‌گیرد برای کاهش "فشار نقش"، شغل خود را از حالت تمام وقت به «نیمه وقت» تغییر حالت دهد، پیامد چنین راهبردی، میتواند، "افزایش جایگاه و منزلت اجتماعی" باشد؛ چرا که گفته می‌شود که زن، با وجود اشتغال و درآمد زایی، برای نقش‌های خانوادگی اش ارزش بیشتری قائل شده و در جهت حفظ خانه و خانواده اقدام به نیمه وقت شدن، کرده است.

«خوداشتغالی و کار آفرینی» از راهبردهای دیگری بوده است که علاوه بر بروز "ارتقاء در جایگاه اجتماعی"، "افزایش مزایای اقتصادی و فردی"، "افزایش قدرت تصمیم‌گیری خانوادگی"، سبب کاهش "آسیب‌های شغلی، خانوادگی و فردی" نیز می‌شوند، چرا که فرد وقتی دست به کار آفرینی می‌زند یا اقدام به کسب و کاری مستقل می‌کند بسیاری از آسیب‌های فردی و خانوادگی و شغلی کاهش پیدا می‌کند.

در نهایت چنین نتیجه می‌شود که ورود مادر به بازار کار مزدی، لزوماً نگاه‌های کلیشه‌ای جنسیتی غالب در جامعه را تغییر نمی‌دهد. در نتیجه عمدتاً مسائل و مشکلاتی برای این دسته از زنان بوجود می‌آید که عمده‌ترین آن "فشار نقش" است.

## پیشنهادها

- با توجه به اهمیت موضوع اشتغال زنان، می‌تواند که مسئولین امر در جهت فرهنگ سازی هر چه بیش تر در زمینه بوجود آمدن شرایطی عادلانه برای زنان شاغل اقدام کنند. همچنین باید تدابیری اندیشه شود که مانند برخی کشورهای توسعه یافته، مقررات و امکانات حمایتی وسیعی ایجاد شود تا زنان بتوانند بدون فشار نقش و با فراغت خاطر در نقشهای خانوادگی و شغلی خود ظاهر شوند. مثلاً شرایط کار پاره وقت با حقوق و مزایای خوب و مناسب تا در کنار کار و فعالیت اجتماعی با لذت و آسودگی به نقشهای خانوادگی شان هم برسند
- پیشنهاد می شود تحقیقات کیفی بیشتری برای روشن تر شدن سایر ابعاد این موضوع انجام شود به ویژه توسط محققان اجتماعی، انجام شود. به عنوان مثال بررسی دیدگاه ها و نقطه نظرات همسران زنان شاغل. لذا پیشنهاد می شود محققان در بررسی ها و تحقیقات آتی هر دو جنس را در نظر بگیرند و به کنکاش و تحقیق خواسته ها و دیدگاه های هر دو طرف برآیند.
- زایش نظریه داده بنیان در پژوهش فعلی باعث گسترش بینش در مورد زنان شاغل متاهل مادر در جامعه مورد مطالعه و به تبع در فرهنگ ایرانی شده است. هرچند محقق ادعایی بر تعمیم داده ها و نتایج تحقیق بر جامعه ای وسیع تر ندارد، با این حال با استناد به مشاهدات محقق و اظهارات مشارکت کنندگان و دیگر افراد مطلع، احتمال آنکه نظریه ی داده بنیاد حاصل از تحقیق حاضر در دیگر نقاط استان و شاید هم ایران دلالت داشته باشد بسیار زیاد است. لذا پیشنهاد می شود از آنجا که پدیده ی فشار نقش، به شکل پر رنگی در زندگی زنان جاری است، تحقیقات بیشتری در این زمینه ی خاص انجام شود، چرا که با توجه به یافته های این تحقیق، فشار نقش ممکن است سبب آسیبهای فردی، خانوادگی و شغلی زیادی شود.

## منابع

- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۵)، اثرات اشتغال بر سلامت زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۷۹-۱۵۸.
- اسحاقی، محمد و دیگران (۱۳۹۳)، چالش های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی، دوره ۱۲، شماره ۱.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، جامعه شناسی خانواده، تهران، روشنگران و مطالعات زنان چاپ ۲.
- امینی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر ساختار قدرت در بین خانواده های زنان شاغل و غیر شاغل مقاله ۱، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲.



- امینی، امیرمظفر و احمدی، محمدعلی (۱۳۸۶)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوردار - میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تاثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آنها مطالعات زنان، سال ۵، شماره ۱، ۶۵-۹۱.
- بابایی فرد، اسدالله (۱۳۹۲) سنجش تأثیرات اشتغال زنان بر خانواده و روابط اجتماعی، زن در توسعه و سیاست دوره ۱۱، شماره ۳.
- باقری، بهرام (۱۳۸۰) رویکرد جامعه‌شناختی به مسئله اشتغال زنان، مجله همشهری، ۲۰ آبان.
- باقری، شهلا و حسینی، شیما (۱۳۹۵) مطالعه تجربه زنان عضو هیات علمی دانشگاه از ایفای مسئولیت های خانوادگی و شغلی، دوره ۸، شماره ۱، صفحه ۱۱۷-۱۳۴.
- توسلی، افسانه و سعیدی، وحیده (۱۳۹۰)، تاثیر اشتغال زنان بر ساختار قدرت در خانواده‌های شهر ایوانکی، مقاله ۶، دوره ۹، شماره ۳، صفحه ۱۳۳-۱۴۹.
- توکلی، نیره (۱۳۷۷)، بهره‌وری و اشتغال زنان، اندیشه جامعه، شماره ۳۴.
- حیدری، آرمان و دهقانی، حمیده (۱۳۹۵)، واکاوی کیفی پیامدهای اشتغال زنان متأهل و بسترهای تعدیل‌کننده آن، مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۳، دور (۸)، ۷۳-۹۵.
- خداکرم پور، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی رابطه اشتغال با تعارض کار-خانواده، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۶۱، صفحه ۴۵-۳۹.
- خسروی، زهره و خاقانی فرد، میترا (۱۳۸۶)، بررسی عوامل مرتبط با سلامت روان زنان شاغل در شهر تهران، مجله مطالعات زنان، سال ۱، شماره ۱، ۲۷-۴۴.
- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۵)، اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی. مجله دانشور رفتار، دوره ۱۳، شماره ۱۹ (ویژه مقالات روان‌شناسی ۷)، ص ۳۳-۵۲.
- روحانی، عباس و ابوطالبی، حمیرا (۱۳۸۸)، رابطه رضایت زناشویی و شادکامی با نوع اشتغال زنان، فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی-سازمانی، سال اول، شماره ۱.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی، چاپ دهم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: نشر سروش.
- سالنامه آماری کشور: مرکز آمار ایران، سرشماری ۱۳۹۵ تاریخ دسترسی اسفند ۱۳۹۶..
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۰)، نگاه جنسیتی به کار و تأثیر آن بر توسعه انسانی، مجله تخصصی زبان ادبیات، دانشگاه مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۴ و ۳، ص ۷۳۳-۷۳۴.
- شریفیان، هدایت (۱۳۸۸)، بررسی تاثیر اشتغال زنان بر هرم قدرت در خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز.

- طالبی فر، علی محمد (۱۳۸۰)، بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر اشتغال زنان، پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- فیاضی، مرجان و ساروی، نازلی (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر تضاد کار- خانواده مادران شاغل بر فرسودگی عاطفی و بهزیستی روانی آنان مقاله ۳، دوره ۱۴، شماره ۴.
- قاضی نژاد، مریم و سلیمانی، هاجر (۱۳۹۵)، رابطه شغل و سلامت اجتماعی زنان زن در توسعه و سیاست مقاله ۲، دوره ۱۴، شماره ۳، ص ۲۷۳-۲۸۸.
- مقصودی، سوده و بستان، زهرا (۱۳۸۳) بررسی مشکلات ناشی از هم زمانی نقش های خانگی و اجتماعی زنان شاغل شهر کرمان، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، دوره ۲، شماره ۵، ص ۱۵۰-۱۲۹.
- مدیری، فاطمه و رحیمی، علی (۱۳۹۵)، اشتغال زنان، نشاط زناشویی و گرایش به طلاق، زن در توسعه، مقاله ۴، دوره ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، ص ۴۵۱-۴۷۵.
- ملک زاده، فهیمه (۱۳۷۸) نقش اشتغال زنان در توسعه و تعدد نقشها، مجله فقه و خانواده، شماره ۴۹، ص ۶۶-۸۵.
- موسایی، میثم و دیگران (۱۳۸۹)، نرخ باروری و میزان مشارکت زنان در نیروی کار، دوره ۸، شماره ۲.
- میلا علمی، زهرا و همکاران (۱۳۹۵) سنجش عوامل جمعیتی مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان در منطقه شهری ایران، دوره ۱۲، شماره ۴، صفحه ۵۲۵-۵۴۴.
- نظری، زهره (۱۳۸۲)، تعارض میان نقش های خانوادگی و اجتماعی زنان، فصلنامه ریحانه، شماره ۵
- **Annandale, E and Hunt. K.** ۲۰۰۰. "Gender Inequalities in Health: research at the crossroads" pp. ۱-۳۵ in .E ,Annandale and .K Hunt(eds) "Gender inequalities in Health" Buckingham: open University press. the Is ?Job the Just
- **Annandale, E and Hunt. K.** ۱۹۹۳. work paid and domestic and health between relationship ۱۵(۵): ۶۳۲-۶۶۴ Illness and health of Sociology ?specific - gende
- **Bilby. T and Denis, D. Bielby,** ۱۹۸۹ Family tise: balancing commitments to work and family in Dual earnr Households American Sociological review, vol ۵۴, October. p. ۱۱۸
- **Cooke, Robert A., and Denise M. Rousseau.** ۱۹۸۴. "Stress and strain from family roles and work-role expectations." Journal of Applied Psychology ۶۹(۲): ۲۵۲-۲۶۰
- **Hill, M. S** (۱۹۸۸) "Marital Stability and Spouses Shared Time", Family Issues, Vol ۹, No ۴, PP ۴۲۷- ۴۵۱.
- **Harvey S. and James, Jr.** (۱۹۹۶) the Impact of female employment on the likelihood and timing of second and higher order pregnancies; University of Hartford.
- **Hecht, Laura M.** (۲۰۰۱). "Role conflict and Role Overload: Different Concepts, Different Consequences." Sociological Inquiry ۷۱: pp ۱۱۱-۲۱
- **Hoffman, L.W.** (۱۹۸۱), "Working Mothers, Sanfrancisco, Jossey Bass
- **Hoffman, L.W.** (۱۹۸۱) "maternal employment" American psychologist, vol. ۳, no. ۱۵.

- **Hoffman**, Lois W., and Lise M. Youngblade. ۱۹۹۹. Mothers at Work: Effects on Children's Well-Being. Cambridge, UK: Cambridge University Press
- **Malarky**, R. (۱۹۹۰). Marital relationship and Canadian women in the urban force. In International Journal of sociology of the family, ۲۰: ۱۶۳-۱۶۴.
- **McGinnity**, F. and Russell, H (۲۰۰۸). Gender Inequality in Time Use: The Distribution of Caring, Housework and Employment among Woman and Men in Ireland. Ireland, Brunswick Press.